

نحوه رفتار با جوانان در معرض اعتیاد

کج جمال مهاجر-مریوان

بحران است به طور غریزی متوجه این شکست شده است و مترصد راهی است که این خلاءها را پر کند، راههای مختلفی را نزد خود مرور می کند ولی بالطبع، راه پیمودن کمال به سوی او بسته شده است، پس قهراً فرمولهای دیگری برای جبران این کاستی می اندیشد و از اینجاست که راه حرکت نزولی هموار می شود، و روز به روز بر نگون بختی او افزوده می شود. شخص مبتلا، به تناسب نوع بحران، پیش وجدان ناراضی خود درمان جویی می کند، اما درد ناشناسانه. و حق دارند که بگویند: «آنچه با خود کردیم، هیچ نایبنا نکرد».

هر کدام از این مبتلایان به دردی پناه می برند! که به دروغ و از سر غفلت آن را راه حل می پندارند.

مرغ بر بالا پران و سایه اش

می دود بر خاک پران، مرغ و ش

ابلهی صیاد آن سایه شود

می دود چنانکه بی مایه شود

ره نبرده، هیچ به مطلوب خویش

رنج ضایع، سعی باطل، پای ریش^(۱)

آیا پناه بردن به اعتیاد یک راه حل است

مزمین ترین و ویرانگرترین این به اصطلاح راه حل، اعتیاد است! که هم معلول است و هم بیماری؛ هم جزء بیماریهای روانی است و هم جزء بیماریهای جسمانی؛ البته جسمانی به علت عوارض بدی که به صورت تدریجی در تمام بدن ریشه می دواند و مکانیسم دفاعی بدن را مختل و نارسا می سازد، هیچ تردیدی در آن نیست.

اعتیاد از جمله پدیده های شوم است که اجتماعی را به قهقرا

آدمی از بدایت خلقت تا نهایت آن از مقاطع مختلف سنی برخوردار است و هر کدام از این دوره ها، ویژگیهای خاصی دارند. شاخص ترین این دوره ها، مرحله جوانی است که تحول بلوغ یا تمرکز بسیاری از انرژی های حیاتی در این دوران شکل می گیرد. بنابراین، جوان به کسی گفته می شود که از تمامی استعداد های و نیروهای که تا انقراض عمر به او نیاز دارد، برخوردار است، یعنی طبق تدبیر خاصی که در دستگاه آفرینش برای او بکار رفته از تمام این مواهب به صورت بالقوه برخوردار می شود. این توانمندی ها، اسباب سیر انسان به سوی کمال مطلوب به حساب می آیند. مصرف این اسباب، در دست خود آدمی است، هم می تواند در جهت کمال وجودی خود آنها را بکار برد و هم در جهت انحطاط و پسرفت. این نیروهای متضاد، در درون انسان توأم با اراده آزاد، وجود دارند و خالی از حکمت نیستند. قضیه عطای نیروهای خدادادی که غیر اکتسابی نیز هستند جنبه تکوینی دارد.

بعد از تبیین این خطوط، این بحث مطرح است که چگونه این توانمندی ها، تبلور پیدا کنند. به اتفاق تمامی نکته سنجان و روان شناسان، باید بسترها و ظروف در حد نیاز جوان فراهم شود تا زمینه بروز و ظهور این بذرها فراهم شود؛ البته ناگفته نماند که این بذرها در زمان خاصی، فرصت رشد پیدا می کنند، در غیر این صورت، این بذرها ناپخته در درون، پژمرده می شوند.

وقتی چنین وضعی برای جوان پیش آید، سدها و موانع تکامل، راه او را به سوی کمال شخصیت مسدود می کنند و بحران عجیبی، درون او را فرا می گیرد که «بحران بی هویتی» گفته می شود.

تازه این قدم اول پیمودن راه انحطاط است و فردی که دچار این

شیوه های پیشگیری از اعتیاد

امکاناتی که ما باید در مقابله با آن مجهز شویم این است که خودمان، نسبت به این بلای قرن و آثار سوء آن آگاهی های به روز داشته باشیم، چون به لطایف الحیل و از کانالهای مختلف در میان مردم، علی الخصوص جوانان پخش می شود. راههای توزیع و توزیع کنندگان را دقیقاً شناسایی و معرفی کنیم. تصور «تجارت پر سود» را در اذهان بزداييم که جداً تلقی نادرستی است که از موضوع پیش آمده است. مع الاسف بیش از ۱۰٪ از مردم را به خود مشغول کرده است در واقع طبق این آمار، این ۱۰ درصد از مردم، معتادند، چرا که معتادان به مجموعه ای اطلاق می شوند که در اجرای این نقشه پلید سهیم باشند و ده درصدی که بنده معرفی می کنم، خوش بینانه ترین نگاهی است که نسبت به جامعه وجود دارد. و باید فهمید و فهماند که سوددهی آن بسیار کمتر از ضرر و ضرر آن است؛ آتشی است در خرمن که به راحتی، سرمایه را می سوزاند و رنج چندین ساله را بر باد می دهد. شاید از این طریق فردی بتواند، ثروت هنگفتی بدست آورد، اما این ثروت چون از جایی که نباید بیاید، آمده است، کنده می شود چون «هر چه زود آید دیر نپاید»، «نابرده رنج، گنج میسر نشود» چنین ثروتهایی علاوه بر اینکه هیچ ارزش افزوده نخواهد داشت بلکه همیشه در معرض زوال خواهند بود و آرامش در سایه آن غیر ممکن است، بلکه تعب و اضطراب عاید فرد خواهد شد و این لطمات فقط با کلمات نیست بلکه به صورتی عینی و مشهود در جامعه می توان یافت و حتی شاهد مثالها، جلو دیدگان این افراد، خودنمایی می کنند و به رأی العین آنها را درک می کنند، و اتفاقاً کالای سودآوری نیست چرا که از صد مورد شاید کمتر از پنج مورد به مقصد فروش برسد و چنین افرادی اگر شرم اقتصادی قوی هم داشته باشند به صورت قطع دنبال سود این کالای نامیمون نیستند.

سعدی علیه الرحمه:

روده تنگ به یک نان تهی پر گردد

اما نعمت روی زمین پر نکند دیده تنگ

شعر

البته این گفته پر معنی را نباید حمل بر ستایش فقر

می کشاند و هم کانون فعالیت می شود برای گرفتاری های دیگران بطوریکه هر ۶۰ نفر معتاد، می تواند در مدت یکسال به اندازه جمعیت بحرین را از پای در آورد.

لفظ اعتیاد، استعمال فراوانی دارد و هر موردی که اعتیاد بر آن صدق کند، از بین برنده اعتماد و اعتدال شخص معتاد است. اما مراد از اعتیاد در این مقال همان، شیطان سفیدی است که حیات طبیعی را از افراد سلب می کند و همچنین بر باد دهنده ذخایر فکری و ملکات و ارزشهای اجتماعی نیز می باشد و گریز از آن برای فرد و جامعه جزء حیاتی ترین ابزارهای دوام و بقا، در تمام مراحل حیات اجتماعی است.

نسل امروزی بشدت مورد تهدید، و در معرض چنین شیطاین سفیدی است که آگاهی جمعی از ضرر و زیان آن می طلبد و بر همگان است که وقوع این بلای فرامرزی را به حداقل برسانند و در این رابطه هرگونه، اهمال و تساهل، گناه نابخشودنی است و حداقل، برای وجدان، عذاب آور و ملال بخش است.

برای خشکاندن این کادوی استعماری مرگبار، باید رنجها کشید اما رنجیده نشد، چرا که دردی است فراگیر و از طرق ممکن، دیر یا زود، بواسطه (هوش بر) وارد خانه هر صاحب خانه ای می شود و لازم است قبل از اینکه توان دفاعی را از ما بگیرد، ما اجازه هجوم را به او ندهیم، در غیر اینصورت، جنگ نابرابری است که کمترین شائبه اش، آثار زیانبار آن است که هر کسی مشمول آن خواهد شد و در دام او قرار می گیرد. امروز لشکرکشی نظامی، از طریق قدرتهای میلیتاریستی بسر رسیده است و بسیار بعید است که دگر باره تجربه کنند، اما حربه ای که امروز، نان آور هم هست، توسل به همین مواد مخدر در نوع خاص آن است که می تواند نتایج یک جنگ تمام عیار اتمی را برای آنها در برداشته باشد و آن تخدیر جوان و در لاک خود غوطه ور شدن است و بدین وسیله در کمترین زمان و با حداقل هزینه می توانند سرزمینهایی را آلوده کنند و آنگاه سرزمین گشایی کنند.

حال با توجه به آثار اعتیاد مواردی از شیوه های پیشگیری را متذکر می شوم که علت های اعتیاد هم در ضمن آن قابل استنباط است.

امکاناتی

که ما باید در

مقابله با آن

مجهز شویم

این است که

خودمان،

نسبت به این

بلای قرن و

آثار سوء آن

آگاهی های

به روز داشته

باشیم،

نمود، چرا که فقر همان است که فقره و استخوان بندی انسان، بی بنیاد شود که اتفاقاً همین وضع، از نتایج اعتیاد است.

عزت، افتخار، تهوّر و... چیزهایی نیستند که انسان بتواند با آنها معامله کند و فدای اهریمن اعتیاد و بی رحمی سرمایه داران بنماید. فقیر بنوا، اگر بخواد نان را با این نرخ روز بخورد، سرانجام آن منجلاب پست اعتیاد خواهد بود. اعتیاد گاهی اوقات زائیده فقر است و بعضی از فقرها هم زائیده اعتیاد. اعتیاد به صورت مطلق زائیده فقر یا بیکاری نیست به دو دلیل: الف: چه بسیار ثروتمندانی که در اشرافیگری و رفاه مطلق بسر می برند و سردی و گرمی روزگار را نچشیده اند فقط آنچه که آرزو دارند اینست که دنیا بکام آنها باشد، لذا از هیچ عیاشی دریغ نمی کنند و اولین افرادی هستند که قربانی آرزوهای خود می شوند، البته این طرز فکر، خودش به تنهایی می تواند منشأ اعتیاد باشد و اعتیاد بعضاً معلول همین طرز فکر رفاه طلبانه از زندگی است. اینکه گفته اند، راحت طلبی، مصیبت زاست، اینجاست که خودش را می نمایاند. این مرفهین، فرصت فکر کردن مثبت (مثبت اندیشی) را ندارند و سرمایه و عمر خود را اینگونه تباه می سازند. البته نباید موجب سوء تفاهم شود، فکر رفاه طلبی و اشرافیگری مورد نظر نگارنده است. وقتی می بیند که هیچ کمی و کاستی ندارد، خود بخود، هوس خواهی بدنبال آن می آید و راهی که می رود، مسبب اصلی آن، ثروت و استفاده نادرست از آن بوده است.

ب: معمولاً بدست آوردن مواد مستلزم داشتن ثروت است، چون ماده کم بهایی نیست، معمولاً فقرا که از این ثروت محرومند، قدرت خرید آن را نخواهند داشت و بخاطر همین عدم قدرت خرید هم که شده بعضاً وارد حیطة مواد مخدر نخواهند شد مگر همانگونه که بیان شد، فقیر به سبب تهی دستی خودش برای کسب درآمدی به جماعت عقل ستیز نزدیک می شود، که حاصل آن، افتادن در دام بسیار مخوف اعتیاد است. ضمناً این مطلب به معنی نفی غیر از این نیست اما نظریه غالب همین است. ثروت و فقر، هیچکدام مستحسن و سعادت آفرین نیستند، همواره نگاه ما به آن دو، نگاه به دو بیماری

است که با اقتصاد اسلامی قابل علاج هستند و راهکارهای مناسب هم برای ریشه کنی فقر و علاج آن در متون مرتبط دینی وجود دارد که در این مقاله نمی گنجد.

توجه به عواقب اعتیاد

یکی دیگر از راه های پیشگیری از اعتیاد، توجه به عواقب منفی آن است. از دیدگاه پزشکان، اعتیاد در صورت شدت آن، راه غیر قابل بازگشتی است که مرگ حتمی و تدریجی را بدنبال خواهد داشت که هیچ گریزی از آن نیست؛ دره وحشتناکی است که نجات از آن فقط نیفتادن، داخل آن است؛ باطن باطلی است که آینده راتیره و تار خواهد کرد. همینکه فردی در دام اعتیاد افتاد جسم و مزاجش رو به افول می رود و روحش افسرده خواهد شد و اخلاقش بر پایه های سست و بی بنیادی استوار می شود، که تمامی این امور عقلاً نکوهیده و مرموم است و این آثار منفی مورد نفرت اجتماع بوده و شخص مبتلا شده، همواره از فقدان مقبولیت اجتماعی رنج می برد، آخر مگر زندگی چیزی غیر از رویه عقلانی و قبول هنجارهای اجتماعی است؛ عجیباً چگونه به همین سادگی و از روی عمد این فضیلت ها را از دست می دهند و خود را به خسران ابدی مبتلا می سازند. البته بسیار طبیعی است، وقتی عقل قربانی و زایل شود، رفتن به این سو، کمترین نتیجه ای است که عاید می شود. این بلیه خانمان سوز می شوند، قبلاً از آن علم و اطلاع کاملی نداشته اند و آنرا تفننی مصرف می کردند و اگر از آنان این سؤال پرسیده شود که چرا این فعل مذمت شده را انجام می دهید؟ در جواب، احساس شادی، فرح و نشاط را بر زبان جاری می کنند که این نگرش سطحی نشان دهنده بی اطلاعی آنان از این جریان است. ولی اگر همگی حکیمانه، وضع بعد از نشاط را بازگو کنند، خودشان، اختیاری آن فعل را ترک می کنند و به سوی آن نمی گرایند. اگر متوجهشان بکنند که نکشیدن، چه اثرات مطلوبی دارد هرگز به مصرف آن فکر نمی کنند و عملاً می فهمند که «ترک لذت خودش، لذت است» با این تفاوت که لذت دومی، پایدارتر و جاودانه تر خواهد بود.

✓ از دیدگاه
پزشکان،
اعتیاد در
صورت شدت
آن، راه غیر
قابل
بازگشتی است
که مرگ حتمی
و تدریجی را
بدنبال خواهد
داشت

خشونت راه جلوگیری نیست

در برخورد با افراد معتاد نباید خشونت افراطی بکار برد، هر چند بر مبنای دلسوزی و شفقت باشد. حبس و دستگیری، به شدت جریان می‌افزاید، اساساً از بین بردن فکر تخدیر، باید محور فعالیت مشفقین باشد. باید دانست که اعتیاد هم مانند سایر بحرانهای دیگر دفعتاً فروکش نخواهد کرد ولی با عبور تدریجی از صحنه جامعه امکان از بین بردن، میسر خواهد شد. در حال حاضر اعتیاد، نه بصورت منطقه‌ای، بلکه معضلی جهانی محسوب می‌شود و کشورهای همسند که با تشکیل پلیس فرامرزی، خواسته‌اند، مانع از تسری به داخل کشورشان باشند، البته موفقیت‌هایی که بدست آمده صوری و سطحی بوده و چندان راه گشا نبوده است، و تحوّل محتوایی می‌طلبد که محتاج به گذشت زمان است. البته در بعضی از ممالک با برخوردهای فیزیکی افراد مخل را از بین می‌برند، چه بسا به علت تفاوت در بافت فرهنگ قابل تعمیم نیست ولی این نکته ناگفته نماند که باز افراد معتاد با هم اختلاف خصلتی دارند و به تبع آن، شیوه‌های برخورد هم قطعاً متفاوت خواهد بود.

سخنان عوام فریبانه

متأسفانه گفتارهایی عوام‌فریبانه، اخیراً دامن زده می‌شود که بیشتر جنبه تبلیغاتی، برای سود بیشتر دارد و آن این است که گفته می‌شود، مواد مخدر، التیام‌بخش و مسرت‌زاست یا گفته می‌شود برای تسکین بعضی از امراض قابل استفاده است، ولی این پندارها به هیچ وجهی از نظر علمی قابل اثبات نبوده و مورد تأیید جامعه پزشکی نیست، بلکه خلاف این را هم بارها در بولتن‌های پزشکی به مردم اعلام کرده‌اند. اگر فی الواقع چنین ادعایی صحت داشت، کشورهای پیشرفته که دارای تکنولوژی مدرن پزشکی هستند، خودشان در این راه هزینه می‌کردند

ولی اینگونه نیست. چیزی که جای شگفتی است این است که بسیاری از گیاهان و ادویه معطر و چایی‌های خوش طعم وجود دارند که حقاً مسکن هم هستند ولی چرا رغبتی به آن نشان داده نمی‌شود، چونکه تجارت پرسودی در آن نیست!

داشتن روحیه آزادی

داشتن روحیه آزادی، لازمه‌اش پرهیز جدی از مواد اعتیاد آور است. به راستی مسیری که معتادان در آن پسر می‌برند به اندازه‌ای وحشتناک است که امکان هر نوع فکر کردن و تعالی شخصیت در آن به محال نزدیک است و سراسر وجود معتاد را، خمودی و بی‌رمقی فرامی‌گیرد تا جائیکه نمی‌تواند در فکر نجات خود از این گرداب باشد، چرا که خلع کرامت شده و شخصیت او بسیار متزلزل گشته است. حس آزادی کجا و غلطیدن روی زمین کجا، اگر تضادها بتوانند با هم سازش کنند، این دو کلمه هرگز. آزادی یعنی رهایی از قیدهای اسارت. آزادی یعنی از شدن، خودی متعالی ساختن و مرگ را بر بودن ترجیح دادن. اما در اعتیاد نقطه شروع انزوای بودن است و بودن، اولین شکار اعتیاد است و آخرین آن سرافکنندگی و پایان هر چیزی. ... ادامه دارد.

پاورقی:

۱- مولانا جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی.

☑ آزادی

یعنی رهایی

از قیدهای

اسارت.

آزادی یعنی

از شدن،

خودی متعالی

ساختن و مرگ

را بر بودن

ترجیح دادن.